۱۳۵

دوشنبه ۲۰ آوریل ۹۲ / ۳۱ فروردین‌ماه ۱۳۷۱

ژاله بانوی عزیز و گرامی

با عرض سلام، کارت لطفانه [illegible] [illegible] نوروزیت [illegible] که نامه‌ی خصوصی است و نه با اینکه سلام و لطف‌های [illegible]

در باره‌ی مقالات دیگر نیز در آن‌ها، در واقع مقالات [illegible] دانش بی هیچ قصوری تکرار کرده‌اند. این ارقام و مقالات هم در [illegible] که دو [illegible]

را و [illegible] برای دریافت به اغراض و [illegible] خاص کنیم. گرچه در همین ابیات که در احساس بزرگواری است سرچشمه می‌گیرد

تمام عشق برای [illegible] کشیده بود ولی من [illegible] گفتار می‌رسم که ایران [illegible] با تو عزیز و یاران آگاهی چون [illegible]

هرگز نمیرد، و [illegible] که [illegible] آنچه دوست داری چون ژاله عزیز و

[illegible] بزرگواری، همکاران با احتیاط و بی‌باک بدون قصه آزارت کردند. در واقع آنقدر ارزش را [illegible]

زبان گزیده قرار دارند که خوب سطر دلپذیر برای آنها دوام معنوی است و [illegible].

زندگی از آنچه به ما می‌رسد در [illegible] آنها را می‌بینیم و تا نه می‌گوییم که تلخی و [illegible] و

نیاوریم چون دوستان [illegible] جستجو می‌کند ولی این است و چه کاری هم نیست. درد، درد فرهنگ است و [illegible]

به آن پوست حقیقت و حوصله فراوان و دانش [illegible] می‌خواهد. ژاله جان می‌دانی که همین جمع یارانت [illegible]

خود چه نعمتی است و [illegible] [illegible] نیاورده.

با امید به بهروزی [illegible] که همیشه [illegible] و آرزوی تندرستی و شادمانی است در این [illegible] روز

فریدون . سرفراز باشی

با تجدید ارادت و مهر گودرزها